



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی

سال شانزدهم، شماره‌ی ۵۳
بهار ۱۳۹۵، صفحات ۱۹۲-۱۷۳

علی قاسمی اردهایی^۱

نیر رستمی^۲

محمد شیبری^۳

عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت به شهر جوانان روستایی شهرستان اهر

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۰۵

چکیده

مطالعه حاضر به منظور شناخت عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت به شهر جوانان روستایی شهرستان اهر بر اساس هدف کاربردی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به مرحله اجرا درآمده است. با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۲۱ روستا انتخاب شده و تعداد ۵۰۰ نفر از جوانان ساکن در این روستاها به روش نمونه‌گیری تصادفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه به‌دست آمده و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS و HLM صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی خانواده، نگرش به دافعه مبدأ، نگرش به جاذبه مقصد، جمعیت ساکن در روستا و مسافت روستا از شهر، بر میزان گرایش به مهاجرت به شهر جوانان روستایی تأثیرگذار هستند. البته، بیش‌ترین درصد تغییرات میزان گرایش به مهاجرت به شهر جوانان روستایی توسط دو متغیر جمعیت روستا و مسافت روستا از شهر صورت گرفته است و نشان می‌دهد عوامل ساختاری نقش مهم‌تری در این زمینه دارند. از آنجا که مهاجرت جوانان منجر به تخلیه

E-mail: ghasemi33@yahoo.com

E-mail: rostamy200@gmail.com

۱- عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور.

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان واحد تبریز.

۳- دکتری جمعیت‌شناسی و عضو گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار ایران.

روستاها از نیروی جوان و فعال گردیده و باعث سالخورده‌تر شدن ترکیب سنی روستاهای مورد مطالعه گردیده است، لذا محرومیت‌زدایی روستاهای کم‌جمعیت و دورافتاده یکی از مهم‌ترین مواردی است که بایستی در دستور کار متولیان توسعه روستایی شهرستان اهر قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: جوانان روستایی، مهاجرت روستا- شهری، گرایش به مهاجرت، عوامل مهاجرت از روستا، شهرستان اهر.

مقدمه

مهاجرت به‌عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت، سبب تحولات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مهمی در مبدأ و مقصد می‌گردد. مهاجرت نوعی جابجایی مکانی انسان‌هاست که به دلایل و با اهداف متفاوت صورت می‌گیرد. کاپل^۴ معتقد است، در الگوهای جدید مهاجرت که برگرفته از تئوری‌های جامعه‌شناختی است، دلیل مهاجرت را می‌توان فرایند صنعتی شدن جوامع و تغییر تفکرات اجتماعی انسان‌ها دانست (کاپل، ۱۹۷۶: ۲۳۵). امروزه مهاجرت‌های روستا- شهری پدیده‌ای است که در کشورهای در حال توسعه جریان داشته و می‌توان آن را از اثرات تبعی صنعتی شدن نواحی شهری تلقی نمود. در اغلب کشورهای کمتر توسعه‌یافته، روند مهاجرت از روستا به شهر با رشد صنعتی شدن و میزان بیکاری و کاهش میزان درآمد همراه بوده است (گلداسمیت و دیگران^۵، ۲۰۰۴: ۳۵).

مهاجرت روستا-شهری یک انتقال اصلی از ساخت مرکزی جامعه را نشان می‌دهد که در آن مردم از اجتماعات به طور کلی کوچک‌تر کشاورزی به اجتماعات بزرگ‌تر و عمدتاً غیر کشاورزی حرکت می‌کنند (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۵۰). پی‌یر لروی در کتاب استعمار، مهاجرت را یک اقدام "اجتماعی- اقتصادی" مطابق با فطرت و نیازهای طبیعی انسان می‌داند (زنجان، ۱۳۸۰: ۵). نیازهای طبیعی از جمله رسیدن به سطحی از رفاه، درآمد و تحرک اجتماعی در گرایش فرد برای مهاجرت و رسیدن به سطحی مطلوب از زندگی، مهم‌تر از هر عامل دیگری است. در این خصوص، جوانان به دلیل ویژگی‌های روانی و اجتماعی‌شان برای مهاجرت مستعدتر از سایر افراد جامعه هستند. یکی از انگیزه‌های قشر جوان برای ترک محل سکونت، دستیابی به شغل مناسب و درآمد بالاست که عدم توانایی روستا در فراهم‌سازی این امکانات و همچنین کاستی‌های طبیعی روستا از جمله کمبود آب و زمین، باعث می‌شود تا

4- Koppel

5- Goldsmith et al

جوانان برای رفع و تأمین این نیازمندی‌ها دائم در تردد بین شهر و روستا باشند. این امر می‌تواند فرد را برای مهاجرت و تمایل به زندگی در شهر تشویق نماید. در سطح جهانی (سدری^۶، ۲۰۰۷: ۱-۳۲)، هر سال شمار مهاجران جوان روستایی که محل زندگی خود را ترک می‌کنند و به سوی شهرها سرازیر می‌شوند افزایش می‌یابد. مسلماً مهاجرت نیروی انسانی فعال از روستا به شهر، بر پیشرفت و توسعه روستاها ضربه وارد می‌سازد. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، پدیده مهاجرت جوانان از روستا از یک سو باعث ناکارآمدی بخش کشاورزی گردیده و از دیگر سو بر ناآرامی اقتصاد شهرها شوک جدی وارد می‌سازد. یافته‌های پژوهش (اسکلدون و همکارانش^۷، ۱۹۹۹: ۲۷) نشان می‌دهد مهاجرت مهم‌ترین عامل سالخورده‌تر شدن جمعیت‌های روستایی است، چون اغلب مهاجران را جوانان تشکیل می‌دهند و غالباً آن‌ها هستند که تمایل به ترک روستا و اقامت در شهرها، به‌ویژه در شهرهای بزرگ را دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد روستاهای دارای سکنه شهرستان اهر از ۳۳۵ روستا در سال ۱۳۸۵ به تعداد ۲۸۵ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. این ۵۰ روستای خالی از سکنه در شهرستان اهر در طی پنج سال، نشان از روند رو به افزایش مهاجرت‌های خانوادگی و جمعی روستا-شهری است. درحالی‌که این امر برخلاف الگو و روند مشاهده شده برای کل کشور است. در سرشماری ۱۳۹۰ برای اولین بار در نتایج سرشماری ایران (قاسمی‌اردهایی و شیری، ۱۳۹۲: ۱-۱۶)، درصد مهاجرت‌های شهر-روستا (۱۵٪) بیش‌تر از مهاجرت‌های روستا-شهر (۱۳٪) به‌دست آمده است. از جانب دیگر، براساس سرشماری ۱۳۹۰ از بین ۵۳ هزار جمعیت ساکن در نقاط روستایی شهرستان اهر ۳۳٪ در محدوده سنی ۱۵-۲۹ سال قرار دارند و نسبت جنسی جمعیت نقاط روستایی (۱۰۳) دو رقم بیش‌تر از جمعیت کل شهرستان اهر است. این امر نشان می‌دهد در روستاهای این شهرستان با توجه به غلبه مردان و جوانان، پتانسیل بالایی برای مهاجرت جوانان به نقاط شهری وجود دارد. حال سوال مطرح این است که؛ در گرایش به مهاجرت جوانان روستایی کدام یک از عوامل فردی یا ساختاری مهم هستند؟ و در بین این مجموعه عوامل فردی و ساختاری، کدام یک از متغیرها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند؟

پیشینه پژوهش

رفتار مهاجرتی و گرایش به مهاجرت با بهره‌گیری از مکاتب و نظریه‌های مختلف قابل تبیین است. با در نظر گرفتن تعدد نظریه‌ها، در ادامه نظریه‌های مرتبط با گرایش به مهاجرت جوانان روستایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

6- CDRI

7- Skeldon et al

نظریه کارکردگرایی: نظریه کارکردگرایی در خصوص دلایل مهاجرت بر این فرض تأکید می‌کند که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوبی از نظام اجتماعی آموخته می‌شود. کنش‌گران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آن‌ها را برآورده سازند. لذا ممکن است تحولات لازم برای کاهش هماهنگی بین احساس نیاز و امکان تحصیل آن در کنش‌گر یا در نظام و یا در هر دو اتفاق بیفتد (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۲). از آنجا که جوانان از آمال و آرزوهایی همچون کسب شان و مقام برتر اجتماعی برخوردارند، عدم تطابق با محیط روستایی در جهت کسب بسیاری از نیازهای اجتماعی آنان را به این فکر وا می‌دارد که با ترک روستا و مهاجرت به سوی مناطق شهری بهتر می‌توانند این نیازها را برآورده سازند. بر اساس این دیدگاه، مهاجرت پاسخی در جهت عدم تعادل و هماهنگی بین مناطق شهری و روستایی است. نتایج حاصل از بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی تعیین‌کننده مهاجرت زنان از روستا به شهر در مناطق آفریقا نشان می‌دهد تفاوت موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی در مناطق روستایی و شهری علت اصلی مهاجرت زنان محسوب می‌شود و احتمال مهاجرت زنان مجرد، از زنان دارای فرزند بیش‌تر و آن‌هایی که به تحصیل می‌پردازند، بیش‌تر است (بروکروف و ایو^۸، ۱۹۹۳: ۵۵۷-۵۷۷).

نظریه وابستگی: نظریه پردازان مکتب وابستگی در بحث مهاجرت، عدم توسعه را در نظر داشته و تحلیل‌های خود را در ارتباط با آن ارائه کرده‌اند. این دیدگاه علت اصلی مهاجرت روستاییان به شهرها را توسعه و گسترش سرمایه‌داری می‌داند. توسعه سریع فناوری در شهرها، موجبات بهره‌گیری از مواد اولیه را فراهم آورده و باعث تمایل سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های صنعتی می‌گردد. تمرکز فعالیت‌های صنعتی در شهرها، عدم توسعه کشاورزی مبتنی بر نیازها و نقش موسسات بانکی در تبدیل پس‌اندازها به سرمایه و به جریان انداختن این سرمایه‌ها در شهر، موجبات تشدید اختلاف سطح درآمد روستا و شهر شده و رکود اقتصادی روستا و افزایش جمعیت شهری و عامل اصلی مهاجرت روستاییان به شهر می‌شود (غفاری و ترکی‌هرچگانی، ۱۳۸۹: ۹۶). بنابراین، مهاجرت‌های روستا-شهری به‌عنوان جزء لاینفک فرآیند توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. به طوری‌که برخی از اندیشمندان، توسعه اقتصادی را معادل انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت بر می‌شمارند (رانیس و فی^۹، ۱۹۶۱: ۵۵۲؛ لوئیس^{۱۰}، ۱۹۵۴: ۱۵۰). معتقدین به وابستگی بر این عقیده‌اند که علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از اثرات آن جدا کرد؛ زیرا مهاجرت از یک طرف معلول توسعه نابرابر است و از طرف دیگر عامل گسترش و رونق و تعمیق توسعه نابرابر. در علت‌یابی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای جهان سوم، نظریه‌پردازان وابستگی بیان می‌کنند که باید به مساله عدم توسعه توجه نمود و در این رابطه نابرابری‌های ساختی و مکانی بین بخش‌های جامعه را در نظر

8- Brockerhoff and Eu

9- Ranis & Fei

10- Lewis

گرفت (توسلی، ۱۳۷۴: ۱۰۹). نتایج پژوهشی موسوی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر تمایل روستاییان به مهاجرت به شهرها در ایران" حاکی از آن است که میزان مهاجرفرستی در روستاها و شهرستان‌های دارای امکانات بیشتر در مقایسه با روستاها و شهرستان‌های برخوردار از امکانات، بیش‌تر است (موسوی، ۱۳۸۳: ۹۲). همچنین نتایج مطالعات (هانتز و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۳: ۲۳-۳۹) نشان می‌دهد نابرابری و تضاد در توزیع امکانات اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان اصلی‌ترین عاملی است که مهاجران آن را دلیل جابه‌جایی مکانی خود بیان کرده‌اند.

قوانین مهاجرتی راونشتاین^{۱۲}: نخستین تبیین نظری درباره قانونمندی‌های مهاجرت، قوانین مهاجرتی راونشتاین است. وی با استفاده از آمار منتشر شده سرشماری ۱۸۷۱ و ۱۸۸۱ بریتانیا^{۱۳} استدلال کرده است که مهاجرت اتفاقی نیست، بلکه قوانین خاصی بر آن حاکم است. در این قانون، اهالی شهر نسبت به اهالی نواحی روستایی کم‌تر اقدام به مهاجرت می‌کنند (راونشتاین^{۱۴}، ۱۸۵۵: ۱۹۹). خلاصه‌ای از قوانین راونشتاین را می‌توان به شرح ذیل برشمرد: ۱- فاصله و مهاجرت، ۲- مرحله‌ای بودن مهاجرت، ۳- تاب‌ها و بازتاب‌های مهاجرت، ۴- ارتباطات و مهاجرت، ۵- برتری انگیزه اقتصادی در مهاجرت (حاج حسینی، ۱۳۸۵: ۴۶). ساستاد^{۱۵} نظریه‌های راونشتاین را درباره برتری انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت به‌طور دیگر مطرح می‌کند. وی معتقد است وقتی مهاجر اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

نظریه اورت. اس. لی^{۱۶}: لی (۱۹۶۶) در مقاله‌ای با عنوان "نظریه مهاجرت"^{۱۷} به بازنگری قوانین مهاجرت راونشتاین پرداخت. نظریه وی به مدل جذب و دفع معروف است. از نظر وی عواملی که در تصمیم به انجام مهاجرت و فرآیند آن دخالت دارند، عبارتند از: الف) عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارد، ب) عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارد، ج) موانع بازدارنده و د) عوامل شخصی (لی، ۱۹۶۶: ۵۰).

لی معتقد است اگر برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکنند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند (رشنو، ۱۳۸۲: ۵۳).

11- Hunter et al

12- Ravenstein laws of migration

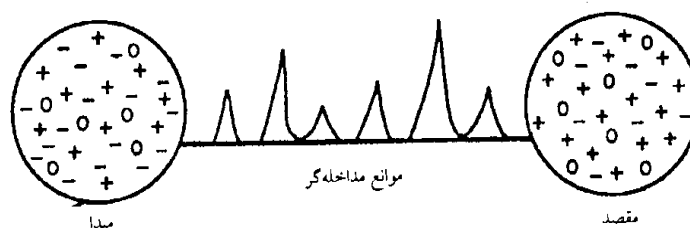
13- British Censuses of 1871 and 1881

14- Ravenstein

15- Sjaastad

16- Everett S. Lee

17- A Theory of Migration



شکل ۱: عوامل مبدا و مقصد و بازدارنده‌ها در مدل تصمیم به مهاجرت لی

نظریه تودارو^{۱۸}: به اعتقاد تودارو مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه تنها با اختلاف درآمدی واقعی مورد انتظار مهاجر بین شهر و روستا تبیین نمی‌شود، بلکه در این بین عامل مهم دیگری نیز از جمله احتمال کاریابی در شهر نیز در آن مؤثر است (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۳۶). از نظر وی تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر تابع دو متغیر اصلی جذب و دفع می‌باشد که عبارتند از: تفاوت فاحش درآمد شهر و روستا (دافعه) و احتمال دستیابی به نوعی اشتغال در شهر (جاذبه) (همتی، ۱۳۸۸: ۵۳۴). وی معتقد است انگیزه‌های اقتصادی مهاجران از سایر انگیزه‌ها قوی‌تر است و در درجه اول ملاحظات اقتصادی یعنی توزیع نابرابر سرمایه و نیروی کار و به تبع آن تفاوت در دستمزدها است که فرد را به مهاجرت ترغیب می‌کند. تودارو بیان می‌دارد که مهاجرت اساساً بر پایه محاسبه اقتصادی و عقلایی فرد مهاجر استوار است (زنگنه، ۱۳۸۳: ۳؛ مک کاتی^{۱۹}، ۲۰۰۴: ۸). قاسمی‌اردهایی در بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران به این نتیجه رسید از بین چهار بُعد اجتماعی، اقتصادی، جمعیت‌شناختی و طبیعی-کشاورزی؛ بُعد اقتصادی بیش‌ترین نقش را ایفا می‌کند (قاسمی‌اردهایی، ۱۳۸۵: ۵۰-۸۰). همچنین نتایج حاصل از بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت از روستا به شهر (جلالیان و محمدی^{۲۰}، ۲۰۰۷: ۸۹-۹۹؛ داتا^{۲۱}، ۲۰۰۴: ۳۳۵-۳۵۸) نشان می‌دهد فقدان خدمات عمومی، بیکاری و نبود درآمد از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در امر مهاجرت هستند.

نظریه محرومیت نسبی^{۲۲}: گرایش طبیعی جوانان مناطق روستایی برای ترک محل سکونت خود تابعی از انتظارات و ارزش‌های ذهنی آنان است. زمینه موفقیت جوانان (به‌ویژه تحصیل‌کرده‌ها) در فرهنگ و اجتماعات روستایی در مقایسه با شهرها میسر نیست. مطابق با تئوری محرومیت‌نسبی، افزایش وضعیت اقتصادی خانوار در مقایسه با اجتماع مرجع^{۲۳} باعث خوشنودی خانواده‌ها می‌گردد. اشخاص ممکن است در نتیجه مقایسه موقعیت خود نسبت به

18- Todaro

19- McCatty

20- Jalalian and Mohammadi

21- Datta

22- Relative Deprivation Theory

23- Reference Community

گروه مرجع احساس محرومیت کرده و دست به مهاجرت بزنند (استارک و بلوم^{۲۴}، ۱۹۸۵: ۱۷۳-۱۷۸). طبق نتایج مطالعات استارک و همکاران^{۲۵} در نپال (بی‌هانداری^{۲۶}، ۲۰۰۴: ۴۷۵-۴۹۹)، بین محرومیت و مهاجرت رابطه مستقیم وجود دارد و اشخاصی که احساس محرومیت بیشتری دارند نسبت به همتهای خود بیش‌تر تمایل به مهاجرت دارند. مطابق با این تئوری، افراد قبل از اقدام به مهاجرت دو موقعیت را ارزیابی می‌کنند؛ از یک سو موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و از دیگر سو امکانات و وضعیت مبدأ را با مقصد مقایسه نموده و در نتیجه این مقایسه اقدام به مهاجرت می‌کنند. پس در نتیجه احساس محرومیت در یک منطقه و به امید برخورداری از امکانات و مزایای موجود در منطقه دیگر دست به مهاجرت می‌زنند. عقب‌ماندگی شدید برخی از روستاهای شهرستان اهر نسبت به تحولات استان مربوطه و سایر مناطق کشور شرایط نامساعدی را برای ساکنان آن به‌ویژه جوانان فراهم نموده است. در این بین، روستاهای کم جمعیت و روستاهایی که در فاصله بیش‌تری از شهر و استان قرار گرفته‌اند، حائز اهمیت هستند.

به دلیل بین‌رشته‌ای بودن پدیده مهاجرت، به‌طور قطع نمی‌توان نظریه کامل و جهان‌شمولی ارائه داد. با توجه به هدف تحقیق، با تلفیق برخی تئوری‌های مهاجرت می‌توان برخی از عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت جوانان از روستا به شهر را شناسایی نمود. نظریه‌پردازان کارکردگرایی، عدم تعادل و ناهماهنگی‌های بین خصایص فرد و نظام اجتماعی را از یک سو و نابرابری و عدم توسعه متوازن را از دیگر سو در امر مهاجرت دخیل می‌دانند. آنان پیامد مهاجرت را مثبت تلقی نموده و معتقدند ایجاد تعادل بین مناطق با تحرکات مکانی-فضایی امکان‌پذیر است. درحالی‌که صاحب‌نظران وابستگی نسبت به این پدیده دید منفی‌تری دارند و معتقدند مهاجرت بیش‌تر موجب توسعه نابرابری می‌گردد. نظریه‌های اقتصادی مهم‌ترین عامل گرایش به مهاجرت را برتری انگیزه اقتصادی تلقی نموده و تا حدودی از بیان ویژگی‌های ساختی-مکانی مناطق و همچنین خصوصیات مهاجران غافل مانده‌اند. تئوری لی عوامل تعیین‌کننده مهاجرت در مبدأ و مقصد و خصوصیات جمعیت‌شناختی افراد را جدی گرفته و تأثیر این عوامل بر نگرش و تصمیم‌گیری‌های نهایی افراد برای جابجایی از یک منطقه به منطقه دیگر را مورد توجه قرار داده است. با تلفیقی از تئوری‌های مطرح شده می‌توان علل مهاجرت‌های روستا-شهری را در یک جمع‌بندی چنین خلاصه نمود:

الف) مهاجرت از حوزه‌هایی با فرصت‌های شغلی کم‌تر به طرف حوزه‌های دارای امکانات شغلی بیش‌تر، ب) تلاش در جهت دستیابی به شغل بهتر و کسب درآمد بیش‌تر، ت) تسلط مدل دوگانه اقتصادی مبدأ و مقصد، ث) عوامل دفع در روستا و عوامل جذب در شهر و ح) حوادث و اتفاقات طبیعی و اجتماعی، مهاجرت‌های روستایی را موجب

24- Stark and Bloom

25- Stark et al

26- Bhandari

جدول ۱- تعداد جمعیت و موقعیت روستاهای منتخب در نمونه آماری

ردیف	دهستان	روستا	جمعیت			موقعیت روستا	
			کل	مرد	زن	موقعیت جغرافیایی	مسافت تا شهر
۱	آذغان	آذغان	۱۱۲۲	۵۹۱	۵۳۱	واقع در شمال غرب اهر	۱۲
		علیرضاچای	۲۶۱	۱۲۸	۱۳۳	واقع در غرب اهر	۲۰
		برمس	۲۴۳	۱۱۹	۱۲۴	واقع در جنوب غرب اهر	۱۵
		کسانق	۵۳۲	۲۶۸	۲۶۴	واقع در شمال غرب اهر	۲۵
۲	قشلاق	نقاره کوب	۳۱۴	۱۵۴	۱۶۰	واقع در شرق اهر	۱۵
		شنقوش آباد	۱۳۰	۷۶	۹۴	واقع در شرق اهر	۱۷
		چول قشلاق	۹۴۳	۵۱۰	۴۳۳	واقع در شمال شرق اهر	۳۰
۳	اوج هاچا	زگلیگ علیا	۷۰	۲۷	۴۳	واقع در شمال شرق اهر	۱۴
		سامبران	۳۲۰	۱۶۰	۱۵۶	واقع در شمال شرق اهر	۱۸
		قلندر	۷۵۹	۳۸۸	۳۷۱	واقع در شمال شرق اهر	۱۳
		یخفروزان	۴۴۹	۲۰۲	۲۰۷	واقع در شمال شرق اهر	۸
		زندآباد	۱۰۸۸	۵۵۹	۵۲۹	واقع در غرب اهر	۱۵
۴	بزکش	کلهر	۲۸۹	۱۳۱	۱۵۸	واقع در جنوب شرق اهر	۹
		کفالتی	۷۸۵	۴۱۱	۳۴۷	واقع در جنوب شرق اهر	۹
		ریحان	۳۴۱	۱۷۵	۱۶۶	واقع در جنوب شرق اهر	۱۲
		گرنگاه	۴۱۷	۲۲۱	۱۹۶	واقع در جنوب شرق اهر	۶
۵	گویچه بل	۷۸۳	۳۷۶	۴۰۷	واقع در جنوب شرق اهر	۶	
۶	دودانگه	هوای	۱۳۰	۶۲	۶۸	واقع در شمال شرق اهر	۱۲
		اینجار	۹۲۷	۴۸۱	۴۴۶	واقع در جنوب شرق اهر	۵
		نیق	۲۶۴	۱۳۲	۱۳۲	واقع در شمال شرق اهر	۱۰
		دیگله	۳۹۷	۱۹۵	۲۰۲	واقع در شمال شرق اهر	۱۵
۷	لروم	۳۹۷	۱۹۵	۲۰۲	واقع در شمال شرق اهر	۱۵	

اطلاعات مورد نیاز از طریق دو نوع پرسشنامه و در دو سطح: خرد برای جوان روستایی و کلان برای اجتماع روستا با مراجعه پرسشگر به محل تحقیق جمع آوری شده است. اعتبار محتوایی^{۲۷} (صوری) پرسشنامه، توسط متخصصان تأیید گردیده و پایایی^{۲۸} آن بر اساس آزمون آلفای کرونباخ برای شاخص‌ها، طبق جدول (۲) برآورد شده است. با حذف پرسشنامه‌های ناقص، اطلاعات مربوط به ۴۶۷ پاسخگو جهت پردازش، تجزیه و تحلیل آماری وارد بسته‌های آماری گردیده است. آماره‌های کای اسکوئر، کندال و پیرسون از طریق نرم افزار SPSS صورت گرفته است. از

نرم‌افزار HLM هم جهت مدل‌سازی چند سطحی استفاده شده است تا علاوه بر شناخت تأثیر هر کدام از عوامل مذکور بر متغیر وابسته، تأثیرپذیری متغیرهای فردی از ساختاری هم مورد بررسی قرار گیرد.

مدل‌سازی چند سطحی تکنیک آماری است که با هدف گسترش و اصلاح مشکلات تکنیکی و تئوریک رگرسیون چند متغیره گسترش یافته است. به عبارت بهتر، مدل‌سازی چند سطحی در شرایطی که داده‌ها، سلسله مراتبی و خوشه‌ای باشند مورد استفاده قرار می‌گیرد (رودنیش و بریک^{۲۹}، ۲۰۰۲: ۴۸). از این‌رو در بررسی عوامل گرایش به مهاجرت که در قالب دو سطح عوامل فردی و عوامل ساختاری مدل‌سازی شده است، فرض اساسی این است که علاوه بر عوامل سطح فردی همچون سن، جنس، وضع تأهل، وضع فعالیت، نوع شغل، میزان تحصیلات، میزان درآمد خانوار، طبقه اقتصادی خانواده از نظر پاسخگویان و انگیزه‌های فردی (عوامل دافعه و جاذبه از دیدگاه فرد)، عوامل ساختاری همچون فاصله از شهر، امکانات ساختاری روستا و تعداد جمعیت روستا نیز در تبیین گرایش فرد به مهاجرت مؤثر است. به علت عدم معنی‌داری، برخی از متغیرهای سطح فردی و نیز ساختاری (امکانات روستا^{۳۰}) از معادله خارج شده‌اند. عوامل فردی همچون نگرش افراد به عوامل جاذبه مقصد و دافعه مبدأ به‌عنوان متغیرهای سطح اول و دو متغیر تعداد جمعیت روستا و فاصله از شهر به‌عنوان عوامل ساختاری در سطح دوم در نظر گرفته شده است. به‌منظور بررسی برآزش مدل‌های سلسله مراتبی از مدل شرطی استفاده شده است. در مدل شرطی که به مدل ضرایب شیب خط و عرض از مبدأ به مثابه متغیر تابع موسوم است، معادلات رگرسیونی سطح اول تغییری نکرده و ضرایب رگرسیونی سطح اول به‌عنوان تابعی از ویژگی‌های ثابت و تصادفی سطح دوم (ویژگی‌های ساختاری روستا) در نظر گرفته می‌شوند. مدل‌سازی دو سطحی گرایش به مهاجرت در مدل شرطی به ترتیب ذیل است:

در سطح اول، گرایش به مهاجرت تابعی است از نگرش افراد به عوامل دافعه روستایی و جاذبه شهری؛

$$Y_{ij} = \beta_0 + \beta_1(\text{Attitude to push factors}) + \beta_2(\text{Attitude to pull factors}) + r$$

Y_{ij} : متغیر تابع (گرایش به مهاجرت از روستا به شهر)

β_0 : عرض از مبدأ (میانگین گرایش به مهاجرت)

β_1 : شیب خط و یا میزان تأثیر متغیر نگرش افراد به عوامل دافعه در تبیین تغییرات متغیر تابع.

β_2 : شیب خط و یا میزان تأثیر متغیر نگرش افراد به عوامل جاذبه در تبیین تغییرات متغیر تابع.

r : جزء خطای مدل سطح اول.

29- Raudenbush and Bryk

۳۰- لازم به ذکر است که در مدل چند سطحی، امکانات و تسهیلات روستایی به دلیل پراکندگی و واریانس پایین تأثیرش معنی‌دار نشده است. یعنی این‌که امکانات اصلی در همه روستاها تقریباً به‌طور یکسان وجود دارد.

به منظور مدل‌سازی ضرایب رگرسیونی سطح دوم، از متغیرهای تعداد جمعیت روستا و فاصله روستا تا شهر استفاده شده است که پس از آزمون ترکیب‌های متفاوت مدل‌ها، مدل رگرسیونی سطح دوم نهایی استخراج گردید:

$$\beta_0 = \gamma_{00} + \gamma_{01}(\text{distance}) + \gamma_{02}(\text{population}) + u_0$$

$$\beta_2 = \gamma_{20} + u_2\beta_1 = \gamma_{10} + \gamma_{11}(\text{distance}) + u_1$$

γ_{00} : تفاوت میانگین کل میزان گرایش به مهاجرت در سطح روستاهای مورد مطالعه

γ_{01} : میزان تأثیر متغیر فاصله از شهر در میانگین میزان گرایش به مهاجرت افراد (عرض از مبدأ سطح اول)

γ_{02} : میزان تأثیر متغیر تعداد جمعیت روستاها در میانگین میزان گرایش به مهاجرت افراد

γ_{10} : میانگین کل میزان تأثیر متغیر نگرش به عوامل جاذبه در سطح روستاهای مورد مطالعه

γ_{20} : میانگین کل میزان تأثیر متغیر نگرش به عوامل دافعه در سطح روستاهای مورد مطالعه

γ_{11} : میزان تأثیر متغیر فاصله از شهر در شیب خط متغیر نگرش به عوامل جاذبه

$u_{0, \dots, 2}$: خطای تصادفی سطح دوم در ضرایب ذکر شده

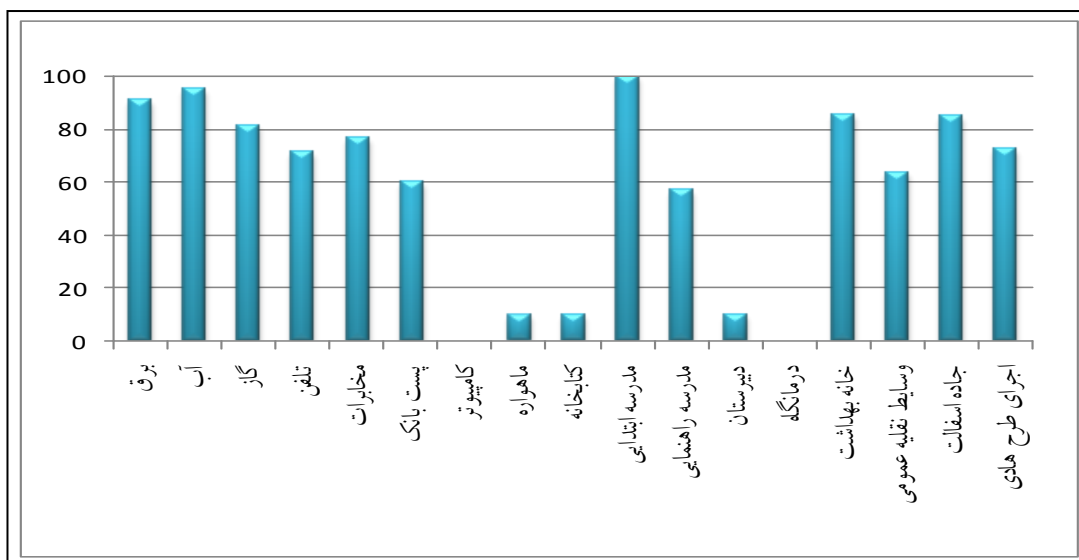
جدول ۲- پایایی متغیرهای پژوهش

پایایی	گویه‌ها: (در قالب مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف)	متغیرها	
۰/۷۲	<ul style="list-style-type: none"> پدر و مادرم اشتباه کرده‌اند که در روستا مانده‌اند. اگر فرصتی پیش بیاید، جهت ادامه زندگی به شهر خواهم رفت. در کل چقدر دوست دارید در شهر زندگی کنید؟ 	گرایش به مهاجرت	وابستگی
۰/۶۰	<ul style="list-style-type: none"> در محیط روستا نسبت به شهر، فرزندان به‌خوبی تربیت نمی‌شوند. زندگی در روستا نسبت به شهر پرمشقت بوده و سخت می‌گذرد. 	دافعه مبدأ	مستقل
۰/۶۴	<ul style="list-style-type: none"> جوانان در شهر بهتر و بیش‌تر می‌توانند پیشرفت نمایند. آزادی‌های فردی در شهر بیش‌تر از روستاست. زندگی پر دغدغه شهری بهتر از زندگی ساده روستایی است. 	جاذبه مقصد	

سایر متغیرهای مستقل عبارتند از: سن، جنس، وضع تأهل، میزان تحصیلات، وضع اشتغال، نوع شغل، میزان درآمد خانوار، طبقه اقتصادی خانواده از نظر خود پاسخگویان، میزان امکانات و تسهیلات در روستاها، فاصله روستا از شهر و تعداد جمعیت روستا.

میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۵ سال بوده و به ترتیب در گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ (۳۹٪)، ۱۹-۱۵ (۳۴/۲٪) و ۲۵-۲۹ (۲۶/۸٪) قرار دارند. ۵۵٪ از این جوانان مرد هستند که از لحاظ وضعیت زناشویی ۶۶٪ مجردند. میزان تحصیلات ۲۹٪ از پاسخگویان کم‌تر از دیپلم، ۵۱/۳٪ متوسطه و دیپلم و ۱۹/۷٪ دانشگاهی است. ۱۴/۸٪ از جوانان مورد بررسی شاغل بوده (مشاغل کارگری، کشاورزی، کار ساختمانی و کارمندی) که با میانگین درآمد ماهانه گزارش شده ۱۶۶ هزار تومان، بیش‌ترشان (۷۳٪) طبقه اقتصادی خانواده خود را در سطح متوسط ارزیابی نموده‌اند.

بررسی وضعیت روستاها از حیث برخورداری از امکانات و تسهیلات نشان می‌دهد بیش از ۸۰٪ روستاها از امکانات اولیه همانند گاز، آب، برق و تلفن برخوردارند. دفاتر خدمات عمومی همچون مخابرات و پست بانک در بیش از ۶۰٪ روستاها تأسیس شده است. از لحاظ دارا بودن امکانات بهداشتی اعم از خانه بهداشت و درمانگاه، ۸۵٪ روستاها دارای خانه بهداشت بوده ولی در هیچ‌کدام از روستاها درمانگاه دایر نیست. در هیچ‌کدام از روستاها کافی‌نت موجود نیست و دبیرستان فقط در ۱۰٪ روستاها دایر است. از لحاظ وضعیت جاده بیرون روستا، ۸۵٪ روستاها دارای جاده آسفالت هستند. با اجرا شدن طرح هادی، در ۲۷٪ روستاها راه داخل روستاها آسفالت شده است. ۶۵٪ روستاها از وسایط نقلیه عمومی جهت تردد و رفت و آمد به شهر برخوردارند.



نمودار ۲- درصد برخورداری روستاهای شهرستان اهر از امکانات و تسهیلات

در کل، بررسی وضعیت روستاهای شهرستان اهر از لحاظ برخورداری از امکانات ارتباطی، بهداشتی، زیستی-رفاهی و آموزشی نشان‌دهنده آن است که این روستاها اگرچه به تسهیلات اولیه دسترسی دارند، ولی با شاخص‌ها و استانداردهای شهری خیلی فاصله دارند.

جدول ۳- توزیع نسبی گرایش به مهاجرت جوانان برحسب سطح اقتصادی خانواده

آماره‌های آزمون	گرایش به مهاجرت			سطح اقتصادی خانواده
	تعداد	میانگین	کل	
کای اسکونر = ۶/۸	۶۶	۱۲/۶	۱۰۰/۰	پایین
تأسی کندال = ۰/۱۷	۲۹۸	۱۱/۳	۱۰۰/۰	متوسط
سطح معناداری = ۰/۰۲۱	۴۰	۱۱/۳	۱۰۰/۰	بالا

نتایج آزمون‌های آماری نشان می‌دهد از بین متغیرهای سطح فردی؛ طبقه اقتصادی خانواده فرد جدول (۳)، نگرش به دافعه مبدأ و جاذبه مقصد جدول (۴) عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت جوانان روستایی است. افرادی که طبقه اقتصادی خانواده خود را در سطح پایین ارزیابی نموده‌اند، بیش‌تر از هم‌تاهای خود که در طبقات متوسط و بالا قرار گرفته‌اند، تمایل به مهاجرت به شهر دارند. میزان جاذبه مقصد و دافعه مبدأ نیز همبستگی مستقیم معنی‌دار با میزان گرایش به مهاجرت جوانان دارد. به‌طوری‌که هر چقدر جاذبه مقصد بیش‌تر باشد، میزان دافعه مبدأ از نظر جوانان افزایش یافته و بر میزان گرایش به مهاجرت آنان افزوده می‌شود.

جدول ۴- آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	جاذبه مقصد	دافعه مبدأ
گرایش به مهاجرت	۰/۴۱۱**	۰/۴۵۱**
دافعه مبدأ	۰/۴۴۱**	

** ۰/۰۰۱ < p

یافته‌ها و بحث

نتایج برآورد تأثیرات ثابت و تصادفی مدل چند سطحی در جدول ۵ ارائه شده است. یافته‌ها حاکی از تأثیر معنی‌دار ثابت و تصادفی سطح دوم در عرض از مبدأ و شیب خط مدل سطح اول است. به‌طوری‌که متغیرهای تعداد جمعیت روستا و فاصله روستای محل سکونت تا شهر تأثیر ثابت معنی‌دار بر میانگین گرایش به مهاجرت روستاییان به شهر

دارد. مقدار ضرایب $0/066$ نشان می‌دهد فاصله بالای روستا تا شهر زمینه را برای افزایش گرایش به مهاجرت به شهر فراهم می‌سازد. در مقابل، متغیر تعداد جمعیت تاثیر منفی و معنی‌داری در افزایش گرایش به مهاجرت از روستا به شهر دارد. اگرچه تاثیر این متغیر ($-0/012$) در مقایسه با متغیر "فاصله روستا تا شهر" کم‌تر است، لیکن می‌توان گفت در روستاهایی که تعداد جمعیت در آن‌ها در سطح پایینی قرار دارد، گرایش به مهاجرت افراد در سطح بیش‌تری است. از بین روستاهای مورد بررسی، روستاهای آذغان، زندآباد و اینجار که در فاصله کم‌تر از ۱۵ کیلومتری شهر قرار گرفته‌اند و بیش‌ترین تعداد جمعیت را در خود جای داده‌اند، میانگین گرایش به مهاجرت در بین جوانان شان کم‌تر است. بررسی نسبت جنسی در روستاهای مذکور به ترتیب با ۱۱۱، ۱۰۵ و ۱۰۷ این یافته را تایید می‌کند. بیش‌تر بودن مقدار نسبت جنسی در یک منطقه نشان از بالا بودن تعداد مردان بر زنان است. بر این اساس، در روستاهای فوق میزان مهاجرت نسبت به سایر روستاها کم‌تر است.

تاثیر معنی‌دار و مثبت متغیرهای نگرش به جاذبه شهری و نگرش نسبت به دافعه روستایی حائز اهمیت است. نتایج نشان می‌دهد متغیرهای نگرش به عوامل دافعه روستایی و نگرش به عوامل جاذبه شهری تاثیر معنی‌دار و مثبتی بر گرایش افراد به مهاجرت از روستا به شهر دارند. نگرش به عوامل دافعه روستایی با ضریب $0/4$ در مقایسه با نگرش به عوامل جاذبه شهری $0/25$ از شدت بالاتری برخوردار است. یکی از مهم‌ترین نتایج تحلیل چند سطحی در مورد گرایش به مهاجرت به شهر، تاثیر مسافت در پیوند جاذبه شهری و گرایش به مهاجرت است. مقدار ضریب $-0/018$ مبین این امر است که تاثیر مثبت نگرش به عوامل جاذبه شهری در گرایش به مهاجرت روستاییان، با کاهش فاصله روستا از شهر کم‌رنگ‌تر می‌گردد. به عبارتی، در روستاهایی که فاصله کم‌تری با شهر در مقایسه با روستاهایی که فاصله بیش‌تری با شهر دارند، تاثیر جاذبه شهری به مراتب کم‌تر است.

نتایج تاثیرات تصادفی سطح دوم نشان می‌دهد واریانس میانگین گرایش به مهاجرت روستا-شهری (عرض از مبدأ) در بین روستاها از تفاوت معنی‌داری برخوردار است. تاثیر تصادفی سایر ضرایب رگرسیونی سطح اول (تاثیر نگرش به جاذبه شهری و دافعه روستایی) معنی‌دار نیست. در جدول ۵ مقدار پایایی^{۳۱} ضریب عرض از مبدأ در سطح بالایی قرار دارد. همچنین، ضرایب برآورد شده سلسله مراتبی برای تاثیر جاذبه و دافعه در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد.

مطابق با مولفه‌های نکویی برازش مدل دو سطحی، حدود ۹٪ از تغییرات واریانس متغیر میزان گرایش به مهاجرت روستا-شهری در جامعه هدف به ویژگی‌های ساختاری (جمعیت روستا، فاصله روستای محل سکونت از شهر) منتسب است. به‌منظور بررسی نکویی برازش مدل از آزمون نسبت درست‌نمایی استفاده شده است که بر اساس

اختلاف شاخص انحراف در مدل غیرشرطی و شرطی است. کاهش مقدار شاخص انحراف^{۳۲} در مدل شرطی در مقایسه با مدل غیرشرطی نشان دهنده نکویی برازش مدل و توانایی مدل در تبیین تغییرات است که بر مبنای آماره کای دو، نکویی برازش مدل نهایی دو سطحی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۵- ضرایب رگرسیونی ثابت و تصادفی مدل چند سطحی و برآورد پایایی ضرایب

آماره‌های تأثیرات ثابت با فرض خطای استاندارد استوار (نیرومند)					
تأثیر ثابت	ضرایب	خطای معیار	نسبت T	درجه آزادی	مقدار معنی‌داری
	۱۱/۴	۰/۲	۵۷/۴۹	۱۸	۰/۰۰۰
Y ₀₀	۰/۰۶۶	۰/۰۳	۲/۱۸	۱۸	۰/۰۴۲
Y ₀₁	-۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۰۶	-۲/۵۳	۱۸	۰/۰۰۰
Y ₁₀	۰/۲۵	۰/۰۴	۶/۱۶	۱۹	۰/۰۲۱
Y ₂₀	۰/۴	۰/۰۵۷	۶/۹۸	۲۰	۰/۰۰۰
Y ₂₁	-۰/۰۱۸	۰/۰۰۳	-۵/۶۳	۱۹	۰/۰۰۰
برآوردهای مولفه واریانس					
تأثیر تصادفی	انحراف استاندارد	مولفه واریانس	درجه آزادی	آماره کای اسکوتر	مقدار معنی‌داری
u ₀	۰/۸	۰/۶۵	۱۸	۶۱/۸۴	۰/۰۰۰
u ₁	۰/۰۹۳	۰/۰۰۸	۱۹	۱۸/۶۷	۰/۵
u ₂	۰/۰۹۵	۰/۰۰۹۱	۲۰	۲۴/۱۵	۰/۲۳
r	۲/۲۶	۵/۱۲			
برآورد پایایی ضرایب					
ضرایب تصادفی سطح ۱			مقدار پایایی برآورد شده		
	β_0			۰/۷	
	β_1			۰/۱۵	
	β_2			۰/۱۱	
نکویی برازش مدل					
همبستگی میان گروهی (ICC): ۹/۳۴			شاخص انحراف مدل غیر شرطی: ۲۲۴۸		
مقدار آماره کای دو نکویی برازش مدل: ۱۰۱/۴۳			شاخص انحراف مدل شرطی: ۲۱۴۶		
مقدار معنی‌داری: ۰/۰۰۰					

نتیجه‌گیری

در این مقاله، عواملی که به ایجاد انگیزه مهاجرت از روستا به شهر در بین جوانان روستایی شهرستان اهر منجر می‌گردد، در سطح فردی و ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مطالعه نشان داد برخی از عوامل جمعیت‌شناختی و ساختاری روستاها بر میزان گرایش به مهاجرت جوانان روستایی موثر است. متغیرهای فردی همچون طبقه اقتصادی جوانان، نوع نگرش به دافعه مبدأ و جاذبه مقصد بر میزان گرایش به مهاجرت تأثیرگذار است. همچنین تعداد جمعیت روستا و فاصله روستا تا شهر به‌عنوان متغیرهای ساختاری مؤثر بر گرایش به مهاجرت روستا-شهری شناخته شده‌اند. برخلاف تصور عمومی، متغیر نگرش به عوامل دافعه روستایی در مقایسه با نگرش به عوامل جاذبه شهری، تأثیرگذاری بیش‌تری بر میزان گرایش به مهاجرت روستا-شهر جوانان دارد. با استناد به نظریه لی، عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارند مهم‌تر از عوامل مرتبط با مقصد است و نیز براساس نظریه تودارو می‌توان گفت، در گرایش به مهاجرت جوانان روستایی اهمیت تفاوت آشکار درآمد شهر و روستا بر احتمال دستیابی به نوعی شغل در شهر غلبه دارد. این نوع نگرش در روستاهایی که در فاصله بیش‌تری از شهر قرار گرفته‌اند، چشم‌گیرتر است. زندگی پرمشقت روستایی نسبت به شهری و نبود امکانات لازم جهت پیشرفت در روستاها، این تصور را در ذهن جوان روستایی تداعی می‌کند که با ماندگاری در روستا امکان بهبود وضعیت زندگی برای خود و فرزندان‌شان وجود ندارد. همانند موارد بحث شده در نظریه محرومیت نسبی، جوانان روستایی در نتیجه مقایسه خود با گروه‌های مرجع در شهر، انتظارات و ارزش‌های ذهنی را در خود ایجاد می‌نمایند که صرفاً با مهاجرت به نقاط شهری می‌توان آن را برآورد نمود. این یافته‌ها با نتایج پژوهشی طاهرخانی (۱۳۸۱: ۶۱-۶۵)، هاتر و همکاران (۲۰۰۳: ۲۳-۳۹) و داتا^{۳۳} (۲۰۰۴: ۳۳۵-۳۵۸) در خصوص تأثیر عوامل دافعه و جاذبه بر احتمال جابه‌جایی مکانی افراد مطابقت دارد.

متغیرهای فاصله روستا تا شهر و تعداد جمعیت ساکن در روستا به‌عنوان متغیرهای ساختاری تأثیرگذار بر میزان گرایش به مهاجرت جوانان روستایی شناخته شده‌اند. با کاهش فاصله روستا از شهر، تأثیر مثبت نگرش به عوامل جاذبه شهری در گرایش به مهاجرت روستاییان کم‌رنگ می‌شود. به عبارتی، در روستاهایی که فاصله کمی با شهر دارند، تأثیر جاذبه شهری به‌مراتب کم‌تر است. در "قانون مسافت و مهاجرت" راونشتاین نیز بحث می‌شود که اکثر مهاجران روستایی فواصل کوتاه را طی می‌کنند و با طولانی شدن فاصله بین مبدأ و مقصد، گرایش و استقرار در نقاط شهری به‌ویژه شهرهای بزرگ به‌وجود می‌آید. متغیر تعداد جمعیت هم به‌عنوان یک متغیر مهم ساختی، تأثیر منفی

معنی دار در افزایش گرایش به مهاجرت از روستا به شهر دارد. در روستاهایی که تعداد جمعیت پایین است، میزان گرایش به مهاجرت بیش تر است که یافته‌های سبزیان (۱۳۷۴) در استان همدان نیز به این امر اشاره دارد.

در روستاهایی همانند آذغان، زندآباد و اینجار که هم در فاصله کمی از شهر قرار گرفته‌اند و هم تعداد جمعیت بیشتری را در خود جای داده‌اند، میزان گرایش به مهاجرت به شهر جوانان نسبتاً کم تر است. طبق شناسه روستاها، تعداد دریافت‌کنندگان اعتبارات مسکن در این روستاها در مقایسه با سایر روستاها بیش تر است. بنابراین، سرمایه‌گذاری در امر مسکن یکی از زمینه‌هایی است که می‌توان مهاجرت‌های بی‌رویه جوانان به شهرها را کنترل نمود. البته مسئله مسکن تنها جزئی از مشکلات مربوط به روستاهاست. سرمایه‌گذاری در امر اشتغال جوانان، کاهش فاصله بین میزان درآمدهای روستایی و شهری، سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های زود بازده اقتصادی و محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی دور افتاده و کم‌جمعیت شهرستان اهر، از جمله اقدامات جدی است که بایستی در دستور کار مسئولان امر قرار گیرد تا از احتمال مهاجرت‌های آتی جوانان این مناطق کاسته شود. در نظریه وابستگی مهاجرت نیز، عدم توسعه نقاط روستایی و توسعه و گسترش سرمایه‌داری در نقاط شهری علت اصلی مهاجرت از روستا به شهر شناخته شده است. نتایج تحقیق زندی (۱۳۷۷) نشان می‌دهد در روستاهایی که فعالیت‌های محرومیت‌زدایی بیشتری در آن‌ها صورت گرفته است، میزان مهاجرت نیز کاهش یافته است. توصیه می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در امر توسعه روستایی و شهری به‌منظور تثبیت جمعیت در مناطق روستایی، از دستاوردها و پتانسیل‌های شهری در جهت توسعه روستاها استفاده نموده و بر پیوندهای مناسب و منطقی روستا-شهری بیفزایند. شاید مقایسه شاخص‌های توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی و محرز نمودن محرومیت شهرستان اهر نسبت به سایر شهرستان‌های استان (قنبری هفت‌چشمه و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۱-۲۲) بتواند توجه سیاست‌گزاران فعال در امر توسعه روستایی را به مناطق محروم و روستایی شهرستان اهر جلب نماید. اهر به‌عنوان شهرستانی بیش تر متکی بر اقتصاد کشاورزی، از جمعیت روستایی بالقوه مناسبی برخوردار است. تشدید رفتار مهاجرتی در میان این جمعیت بالقوه، می‌تواند زمینه‌های تضعیف و تخریب مناطق روستایی و در نتیجه کل اقتصاد شهرستان را موجب گردد.

براساس دیدگاه کارکردگرایی، جهت جلوگیری از مهاجرت جوانان روستایی بهتر است از همین الان در راستای برآوردن نیازهای جوانان روستایی گام برداشت تا در آینده آنان این احساس را پیدا نکنند که نیازهایشان در مکان دیگری غیر از محل سکونت‌شان برآورده خواهد شد.

منابع

- توسلی، غ (۱۳۷۴)، «جامعه‌شناسی شهری»، تهران، انتشارات پیام نور.
- حاجی حسینی، ح (۱۳۸۵)، «سیری در نظریه‌های مهاجرت»، *نشریه علوم سیاسی*، شماره ۴۱، صص ۳۵-۴۶.
- رشنو، ن (۱۳۸۲)، «ژئوپلیتیک نخبگان»، تهران، انتشارات کویر.
- زنجانی، ح (۱۳۸۰)، «مهاجرت»، تهران، سمت.
- زندی، ح (۱۳۷۷)، «بررسی تاثیر فعالیتهای محرومیت‌زدایی بر روند مهاجرت روستاییان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- زنگنه، ی (۱۳۸۹)، «تحلیل مهاجرت و رشد جمعیت استان سیستان و بلوچستان در رابطه با تحولات بازار کار در فاصله سال‌های ۸۵-۶۵»، *چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام*، زاهدان، ۲۷-۲۵ فروردین ۱۳۸۹، صص ۸۷-۷۳.
- سبزیان، س (۱۳۷۴)، «بررسی مهاجرت‌های روستایی در استان همدان»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشگاه تربیت مدرس.
- طاهرخانی، م (۱۳۸۱)، «بازشناسی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت‌های روستایی استان قزوین»، *فصلنامه مدرس*، شماره ۲، صص ۶۵-۴۱.
- غفاری، ر؛ ترکی‌هرچگانی، م (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر (مورد پژوهی: روستای صادق‌آباد از توابع بخش سامان در کهگیلویه و بویراحمد)»، *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۳۲، صص ۹۱-۱۰۲.
- قاسمی‌اردهایی، ع (۱۳۸۵)، «بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۹)»، *روستا و توسعه*، شماره ۱، صص ۸۰-۵۰.
- قاسمی‌اردهایی، ع؛ شیری، م (۱۳۹۲)، «مشخصه‌های مهاجرت‌های داخلی ایران در دوره‌ی ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰»، *پنجمین همایش آمار رسمی ایران، دانشگاه تربیت مدرس*، ۵ و ۶ آذر ۱۳۹۲، صص ۸۱-۹۵.
- قنبری‌هفت‌چشمه، ا؛ حسین‌زاده دلیر، ک (۱۳۸۴)، «تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۵)»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۵، صص ۲۲-۱.
- لهسایی‌زاده، ع (۱۳۶۸)، «نظریات مهاجرت»، شیراز، نوید شیراز.

- موسوی، م (۱۳۸۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر تمایل (گرایش) روستائیان به مهاجرت به شهرها»، طرح پژوهشی وزارت جهاد کشاورزی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- نقدی، ا (۱۳۸۶)، «مهاجرت و حاشیه‌نشینی در ایران»، مجله جمعیت، شماره ۷۴/۷۳، صص ۱۰۴-۸۵.
- همتی، حامد (۱۳۸۸) «قابلیت‌ها، موانع و راهکارها با محوریت اشتغال»، مجموعه مقالات برگزیده دومین همایش توسعه ارسباران تبریز، ۱۲ و ۱۱ بهمن ۱۳۸۸، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، صص ۵۸-۵۲۹.
- Cambodia's Leading Independent Development Policy Research Institute (2007), Youth migration and urbanisation in Cambodia, Working Paper 36.
- Bhandari, P., (2004), "Relative deprivation and migration in an agricultural setting of Nepal", *Population and Environment*, 25 (5): 475-499.
- Brockerhoff, M; Eu, H., (1993), "Demographic and Socioeconomic Determinants of Female rural to urban migration in Sub-Saharan Africa", *International Migration Review*, 27 (3): 557-577.
- Datta, P., (2004), "Push-pull factors of undocumented migration from bangladesh to West Bengal: A perception study", *the Qualitative Report*, 9 (2): 335-358.
- Goldsmith, P., Gunjab, K; Ndarshikanye, B., (2004), "Rural urban migration and agricultural productivity: the case of Senegal", *Agricultural Economics*, 31: 33-45.
- Hunter, L., White, M., Little, J., (2003), "Environmental hazards, migration, and race", *Population and Environment*, 25 (1): 23-39.
- Jalalian. H., Mohammadi yeganeh, B., (2007), "Analysis of Geographical Factors in Zanzan rural emigrations during 1977-1997", *Geographical Research Quarterly*, 39 (61): 89-99.
- Koppel. B., (1976), "Toward sociogenic migration theory", *International Migration Review*, 10 (2): 233-248.
- Lee, E.S., (1966) "A theory of migration", *Demography*, 3 (1): 47-57.
- Lewis, A., (1954), "Economic development with unlimited supplies of labor", *Manchester School of Econ- Social Studies*, 22: 139-192.
- McCatty, M., (2004), "The process of rural-urban migration in developing countries", Department of Economics Carleton University Ottawa, Ontario.
- Ravenstein, E., (1855), "The laws of migration", *Journal of the Statistical Society of London*, Vol. 48, No.2, Pp167-235.
- Ranis, G., Fei, J.C., (1961), "A Theory of economic development", *American Economic Review*, 51: 533-565.
- Raudenbush, S., Bryk, A., (2002), "*Hierarchical linear models: Applications and data analysis methods*" (Second Edition), Thousand Oaks, Sage.
- Stark. O., Bloom, D., (1985), "The new economics of labar migration american economic reviw", *Frontiers in Demographic Economics*, 75 (2): 173-178.
- Skeldon. R., Lee, N.H., (1999), "Population Mobility and HIV Vulnerability in South East Asia": based on the presentation given at the UNDP South East Asia HIV and development

project Workshop on population movement and HIV vulnerability, Chiang Rai, Thailand 10-12 November, P 27.